موضع گیری فقهاء بعد از وحید بهبانی در مورد تعدد قرائات

بعد از ایشان (مرحوم آسید جواد عاملی) کسی با ایشان همراهی نکرده است. تنها کسی که سراغ دارم، آسید محمد باقر خوانساری صاحب روضات الجنات است. ایشان در ذیل شرح حال حمزة الزیات که از قراء سبعه و شیعه است و مقری آن را امام صادق علیه‌السلام ذکر کرده‌اند، می‌فرمایند این قراء سبعه –بعداً از عشره بحث می‌کنند- مما اجمع علیه قاطبة اهل الاسلام که کل این هفت قرائت را جبرئیل آورده است[1]. در روضات در شرح حال حمزه این را می‌گویند. من هم نوعاً این‌ها را در فدکیه آورده‌ام. ببینید صاحب روضات هم از آن متتبع ها است. یعنی نوشتن روضات شوخی نیست. آدم که نگاه می کند، می‌بیند که ایشان خیلی دست به کار بوده. خبیر در کار است. ایشان می‌گوید قاطبة اهل الاسلام. این خوب است.

برای مرحوم آسید جواد به این صورت شده که فعلاً در برخی از جاهای مطلب امتنع الجواب و امثال آن هست. جو هم سنگین بوده است. بعد از آسید جواد بزرگانی از قم آمدند –تا آن جایی که من می‌دانم- که دوباره مطابق سبک مرحوم وحید و خلاف سبک آسید جواد را پیش گرفتند. من بعداً فرمایش ایشان را توضیح می‌دهم. ایشان می‌گویند این قراء ولو هفت نفر هستند اما اینطور نیست که عاصم یکی قرائت دارد، برای خودش باشد، بلکه «اخذ مختاره عن المتواتر». یعنی مختار او متواتر بود. آسید جواد این احتمال را می‌دهند و درست هم هست. توضیح آن را بعداً عرض می‌کنم.

مرحوم صاحب جواهر به جواب ایشان اشاره می‌کنند و بعد می‌گویند «توجس بلا دریه[2]». خیلی عجیب! به مثل آسید جوادی می‌گویند «توجس بلادریه» و بعد حرف فخر رازی را به رخ ایشان می‌کشند! اسم فخر رازی را نمی برند اما مطلب را می‌گویند. می‌گویند این از واضحات است که وقتی قرائت عاصم می‌گوییم، قبل از او نبوده و برای او است. این از واضحات است؟! پس چرا می‌گوییم قرائت عاصم؟! یعنی در در آسید جواب یکی چیزهایی را می‌آورند که با این پنج-شش سالی که ما مباحثه کردیم واضح است که مطلب به آن صورت نیست.

مرحوم شیخ انصاری وقتی به اینجا می‌رسند این مطالب خوب را بیان می‌کنند اما بعد در تواتر قرائات سبع خدشه می‌کنند. اگر فرصت شد عباراتشان را می‌خوانیم. وقتی من به فرمایشات مرحوم شیخ رسیدم به یاد جاهایی افتادم. نظیرش هم هست. وقتی آدم می‌خواهد در بحث علمی یکی چیز جا افتاده‌ای را خراب کند، می‌بینید که در این خراب کردن یکی مسامحاتی پیش می‌آید. حالا مسامحات در کتب علمی فراوان است. اصلاً طلبه‌ها در محضر اساتید و بزرگان و کسانی که قلمشان سرپا وزن علمی بوده، اصلاً نباید حرفش را بزنیم. سه وا لقلم و سه مختصر پیش می‌آید و هیچ حرف و مشکلی هم ندارید. اما یکی وقتی است که یکی سه‌وی می‌شود در مقام کوبیدن یکی حرف دیگری. در اینجا دیگر نمی‌توان گفت که این سه مغتفر است. باباً شما دارید دیگری را در می‌کنید. وقتی می‌خواهید حرف او را در کنید نمی شود یکی سه‌وی بکنید و با سه خودتان هم به‌خوبی به آن سر و سامان بدهید و او را در کنید! یکی مورد‌ش در فصل الخطاب بود.

[1]روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات ج3 ص 254؛ أقول مرادهم بالقرّاء السبّعة فی كلّ موضع يذكرونه وهو أئمّة القراءات السبّع المشهورة الّذی ينتهی إلی مذاهبهم المتفرّدة فی تنظيم كلام اللّه و تنقيط المصاحف، و تجويد القراءة من جهة الإعراب و مبانی البناء و ملاحظة المدود و الإدغامات و الوقف و الوصل و أمثال ذلك من امر القرائة المعتبرة المتّفق علی إجازئها و كفايتها بل نزول روح الأمين بجملتها و تواترها بوجوهها السبّعة عن رسول اللّه صلّی اللّه عليه و آله و سلّم عند قاطبة أهل الاسلام كما صرّح بذلك جماعة من الفقهاء الأعلام، معتضدا بغير واحد من النبوی الوارد فی هذا المعنی.

[2]جواهر الكلام ج ۹ ص ۲۹۶

باز بینی #2
ایجاد شده 16 مارس 2024 16:13:17 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 مه 2024 16:35:45 توسط ... .